



**دانشکده ادبیات و علوم انسانی**  
**پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته الهیات (علوم قرآن و حدیث)**

**جایگاه تناوح صفات خداوند در قرآن کریم**

**به کوشش:**

**محمد حسن ایمانیه**

**استاد راهنما:**

**دکتر مهدی احمدی**

**بهمن ماه ۱۳۹۰**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

## اظهار نامه

اینجانب محمد حسن ایمانیه دانشجوی رشته‌ی الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی اظهار می‌کنم که این پایان‌نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده‌ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته‌ام. همچنین اظهار می‌کنم که تحقیق و موضوع پایان‌نامه‌ام تکراری نیست و تعهد می‌نمایم که بدون مجوز دانشگاه، دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین‌نامه‌ی مالکیت فکری و معنوی، متعلق به دانشگاه شیراز است.

محمد حسن ایمانیه

به نام خدا

## جایگاه تناح صفات خداوند در قرآن کریم

به کوشش: محمد حسن ایمانیه

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز به عنوان بخشی از فعالیت‌های تحصیلی  
لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی: الهیات (علوم قرآن و حدیث)

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی کمیته‌ی پایان‌نامه، با درجه‌ی: عالی

دکتر مهدی احمدی، استادیار بخش علوم قرآن و حدیث (رئیس کمیته)

.....

دکتر سید محمد هادی زبرجد، استادیار بخش علوم قرآن و حدیث

.....

دکتر علی اکبر کلانتری، استادیار بخش علوم قرآن و حدیث

.....

بهمن ماه ۱۳۹۰

يا بَرَقُ إِن جِئْتَ الْغَرَى فَقُلْ لَهُ  
فِيكَ ابْنُ عِمْرَانَ الْكَلِيمِ وَ بَعْدَهُ  
يَا قَالِعِ الْبَابِ الَّذِي عَنْ هَزَّهَا  
مَا الْعَالَمُ الْعَلَوِيُّ إِلَّا تُرْبَةٌ  
مَا الدَّهْرُ إِلَّا عَبْدُكَ الْقِنُّ الَّذِي  
بَلَّ أَنْتَ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَاكِمٌ  
تَا اللَّهُ لَوْ لَا حَيْدَرٌ مَا كَانَتْ الدُّ

أَتَرَكَ تَعْلَمُ مَنْ بِأَرْضِكَ مَوْدَعُ ؟  
عِيسَى يُقَفِّيهِ وَ أَحْمَدُ يَتَّبِعُ  
عَجَزَتْ أَكْفٌ أَرْبَعُونَ وَ أَرْبَعُ  
فِيهَا لِجِثَّتِكَ الشَّرِيفَةِ مَضْجَعُ  
بِنْفُودِ أَمْرِكَ فِي الْبَرِيَّةِ مَوْلَعُ  
فِي الْعَالَمِينَ وَ شَافِعُ وَ مُشَفَّعُ  
نِيَا وَ لَا جَمَعَ الْبَرِيَّةِ مَجْمَعُ

«ابن ابى الحديد»

## سپاسگزاری

از اساتید ارجمند آقایان دکتر مهدی احمدی، دکتر سید محمد هادی زبرجد، دکتر علی اکبر کلانتری، دکتر قاسم کاکایی، دکتر محمد جواد سلمان پور، دکتر محمد شریفانی، دکتر علی محمد ساجدی و دکتر محمد علی انصاری که در این مدت از محضرشان کسب فیض نمودم به غایت متشکر و سپاس گزارم.

همچنین در این فرصت از پدر و مادر و برادر عزیزم، همسر فداکارم، پدر و مادر بزرگوار همسرم، دوستان دوران تحصیلم، علی الخصوص آقای سید روح الله دهقان باغی و سایر دوستان و بستگانم، صمیمانه تقدیر و تشکر می نمایم و امیدوارم خدای متعال روح پدر بزرگم، مرحوم علی اکبر ایمانیه را که اکنون ۱۳ سال است که از نعمت حضورش بی بهره ایم، غرق دریای رحمت و فضل بی حسابش نماید.

و بالاخره خدا را شاکرم که نعمتش را بر من تمام نموده و ریحانه ای به من عطا کرد که نام زیبای فاطمه را برایش برگزیدم و خاضعانه از درگاهش تمنا دارم که:

«رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»

## چکیده

# جایگاه تناکح صفات خداوند در قرآن کریم

به کوشش:

محمد حسن ایمانیه

مفسرین، عرفا و علمای علم کلام هر کدام به نوعی از دیر باز، توجه ویژه ای به بحث اسماء و صفات خدای متعال داشته و بعضا در تفاسیر و مکتوبات خود بدان پرداخته اند. با نگاهی به آیات کریمه ی قرآن در می یابیم که تعداد قابل ملاحظه ای از این آیات، در بر دارنده ی دو صفت - یا بیشتر- از صفات خدای متعال در کنار هم هستند که ارتباطات ممکن میان آنها از جمله مسائل مهمیست که ما را در جهت فهم هر چه بهتر آیات نورانی قرآن یاری می کند. این پژوهش ضمن بررسی منابع معتبر تفسیری و روایی و همچنین سایر منابعی که به نحوی به موضوع اسماء الحسنای الهی پرداخته اند، این موضوع یعنی تناکح یا همان زوجیت صفات خداوند را مورد بررسی قرار داده و در این باره به نتایج قابل توجهی دست یافته است. قاطعانه باید گفت که میان زوج صفاتی که در پایان برخی آیات آمده اند و همچنین میان این زوج صفات و آیات در بردارنده ی آنها، ارتباطی دقیق و متقن وجود دارد تا جاییکه هیچ کدام از این صفات را با صفتی دیگر نمی توان جایگزین نمود. چون در اینصورت نظم آیات و ارتباط میان صدر و ذیل آنها به هم خواهد خورد. همچنین تقدّم و تأخّر هر کدام از این صفات نسبت به یکدیگر بی دلیل نبوده و مرتبط با صدر آیات و مفاد کلی آنها می باشد. انحصار حقیقت و کمال صفات در ذات خدای متعال، تحرّک و تکامل بر اساس خوف و رجای حاکم بر زوج صفات، دریافت پیام های اجتماعی و کاربردی، تخلّق به اخلاق الهی بر اساس موارد اخلاقی قابل برداشت از زوجیت صفات و در نهایت دلایل اهمّیت بیشتر برخی از این صفات و التفات خدای متعال بدانها، از جمله دیگر نتایج مهمّ این پژوهش است. کلید واژه: خداوند، قرآن کریم، زوج صفات خداوند، تناکح صفات خداوند

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اوّل: مقدمه

۲	..... ۱-۱: پیش گفتار
۸	..... ۲-۱: اهمیت موضوع
۹	..... ۳-۱: سوّالات تحقیق
۹	..... ۴-۱: فرضیه تحقیق
۱۰	..... ۵-۱: روش تحقیق
۱۰	..... ۶-۱: پیشینه تحقیق

### فصل دوّم: شرح مفردات

۱۳	..... ۱-۲: رحمن، رحیم، ذوالرحمة
۱۴	..... ۲-۲: غفور، غفار
۱۵	..... ۳-۲: عزیز
۱۶	..... ۴-۲: حکیم
۱۷	..... ۵-۲: سمیع
۱۸	..... ۶-۲: علیم
۱۹	..... ۷-۲: بصیر
۲۰	..... ۸-۲: توّاب
۲۱	..... ۹-۲: رؤف
۲۱	..... ۱۰-۲: عظیم
۲۲	..... ۱۱-۲: واسع



٢٣	..... ١٢-٢: قوی
٢٣	..... ١٣-٢: واحد
٢٤	..... ١٤-٢: قهار
٢٤	..... ١٥-٢: لطيف
٢٥	..... ١٦-٢: خبير
٢٦	..... ١٧-٢: على، متعال
٢٦	..... ١٨-٢: كبير
٢٧	..... ١٩-٢: غنى
٢٧	..... ٢٠-٢: حميد
٢٨	..... ٢١-٢: عفو
٢٩	..... ٢٢-٢: قدير، مقتدر
٣٠	..... ٢٣-٢: حلیم
٣١	..... ٢٤-٢: ذوانتقام
٣٢	..... ٢٥-٢: حى
٣٣	..... ٢٦-٢: قیوم
٣٤	..... ٢٧-٢: شاکر، شکور
٣٤	..... ٢٨-٢: خَلَّاق
٣٥	..... ٢٩-٢: مَلِك، ملیک
٣٦	..... ٣٠-٢: حق
٣٦	..... ٣١-٢: شديدالعقاب
٣٧	..... ٣٢-٢: بر
٣٧	..... ٣٣-٢: مبين
٣٨	..... ٣٤-٢: مستعان
٣٨	..... ٣٥-٢: ودود
٤٠	..... ٣٦-٢: وهاب
٤٠	..... ٣٧-٢: فَتَّاح
٤١	..... ٣٨-٢: ولى
٤٢	..... ٣٩-٢: مجيد
٤٣	..... ٤٠-٢: رب
٤٤	..... ٤١-٢: قريب
٤٥	..... ٤٢-٢: مجيب

۴۳-۲: کریم ..... ۴۵

## فصل سوم: ارتباط میان زوج صفات با یکدیگر

- ۳-۱: الرحمن الرحیم ..... ۵۴
- ۳-۱-۱: تفاوت میان رحمن و رحیم ..... ۵۵
- ۳-۱-۲: ارتباط دو صفت با هم و وجه تقدم و تأخر آنها ..... ۵۷
- ۳-۲: غفور رحیم ..... ۵۸
- ۳-۲-۱: ارتباط میان غفور و رحیم ..... ۵۹
- ۳-۳: عزیز حکیم ..... ۶۰
- ۳-۳-۱: ارتباط میان عزیز و حکیم ..... ۶۰
- ۳-۴: سمیع علیم ..... ۶۱
- ۳-۴-۱: وجه تقدم سمیع بر علیم ..... ۶۱
- ۳-۴-۲: ارتباط میان سمیع و علیم ..... ۶۲
- ۳-۵: علیم حکیم ..... ۶۴
- ۳-۵-۱: تفاوت میان علم و حکمت ..... ۶۴
- ۳-۵-۲: ارتباط میان علیم و حکیم ..... ۶۵
- ۳-۶: العزیز الرحیم ..... ۶۶
- ۳-۶-۱: ارتباط میان عزیز و رحیم ..... ۶۶
- ۳-۷: سمیع بصیر ..... ۶۸
- ۳-۷-۱: وجه تقدم سمیع بر بصیر و ارتباط میان این دو ..... ۶۹
- ۳-۸: غنی حمید ..... ۷۱
- ۳-۸-۱: ارتباط میان غنی و حمید ..... ۷۲
- ۳-۹: توّاب رحیم ..... ۷۳
- ۳-۹-۱: ارتباط میان توّاب و رحیم ..... ۷۳
- ۳-۱۰: رؤف رحیم ..... ۷۵
- ۳-۱۰-۱: وجه تقدم رؤف بر رحیم ..... ۷۵
- ۳-۱۰-۲: تفاوت میان رؤف و رحیم و ارتباط آنها با هم ..... ۷۶
- ۳-۱۱: واسع علیم ..... ۷۷
- ۳-۱۱-۱: ارتباط میان واسع و علیم ..... ۷۷
- ۳-۱۲: قویّ عزیز ..... ۷۹

۷۹	..... ۱-۱۲-۳: تفاوت میان قوی و عزیز
۷۹	..... ۲-۱۲-۳: ارتباط میان قوی و عزیز
۸۰	..... ۱۳-۳: العزیز العلیم
۸۰	..... ۱-۱۳-۳: ارتباط میان عزیز و علیم
۸۰	..... ۱۴-۳: الواحد القهار
۸۱	..... ۱-۱۴-۳: ارتباط میان واحد و قهار
۸۲	..... ۱۵-۳: اللطیف الخبیر
۸۲	..... ۱-۱۵-۳: ارتباط میان لطیف و خبیر
۸۴	..... ۱۶-۳: العلیّ الکبیر
۸۴	..... ۱-۱۶-۳: ارتباط میان علی و کبیر
۸۵	..... ۱۷-۳: خبیر بصیر
۸۵	..... ۱-۱۷-۳: ارتباط میان خبیر و بصیر
۸۶	..... ۱۸-۳: عفواً غفورا
۸۶	..... ۱-۱۸-۳: ارتباط میان عفو و غفور
۸۷	..... ۱۹-۳: حکیم خبیر
۸۷	..... ۱-۱۹-۳: ارتباط میان حکیم و خبیر
۸۸	..... ۲۰-۳: علیم قدیر
۸۸	..... ۱-۲۰-۳: ارتباط میان علیم و قدیر
۸۹	..... ۲۱-۳: غفور حلیم
۸۹	..... ۱-۲۱-۳: ارتباط میان غفور و حلیم
۹۰	..... ۲۲-۳: علیم خبیر
۹۰	..... ۱-۲۲-۳: ارتباط میان علیم و خبیر
۹۲	..... ۲۳-۳: عزیز ذوانتقام
۹۲	..... ۱-۲۳-۳: ارتباط میان عزیز و ذوانتقام
۹۳	..... ۲۴-۳: العزیز الحمید
۹۳	..... ۱-۲۴-۳: وجه تقدّم عزیز بر حمید و ارتباط میان این دو
۹۵	..... ۲۵-۳: الحیّ القیوم
۹۶	..... ۱-۲۵-۳: ارتباط میان حی و قیوم
۹۷	..... ۲۶-۳: علیم حلیم
۹۷	..... ۱-۲۶-۳: وجه تقدّم علم بر حلم و ارتباط میان این دو
۹۸	..... ۲۷-۳: العزیز الغفار

۹۹	.....	۱-۲۷-۳: ارتباط میان عزیز و غفار
۱۰۰	.....	۲۸-۳: غفور شکور
۱۰۰	.....	۱-۲۸-۳: ارتباط میان غفور و شکور
۱۰۱	.....	۲۹-۳: العلی العظیم
۱۰۱	.....	۱-۲۹-۳: ارتباط میان علی و عظیم
۱۰۳	.....	۳۰-۳: الخلاق العلیم
۱۰۳	.....	۱-۳۰-۳: ارتباط میان خلاق و علیم
۱۰۴	.....	۳۱-۳: الملك الحق
۱۰۴	.....	۱-۳۱-۳: ارتباط میان ملک و حق
۱۰۵	.....	۳۲-۳: شاکر علیم
۱۰۵	.....	۱-۳۲-۳: ارتباط میان شاکر و علیم
۱۰۶	.....	۳۳-۳: قویّ شدید العقاب
۱۰۶	.....	۱-۳۳-۳: وجه تقدّم قوی بر شدید العقاب و ارتباط میان این دو
۱۰۷	.....	۳۴-۳: البرّ الرّحیم
۱۰۷	.....	۱-۳۴-۳: ارتباط میان بر و رحیم
۱۰۹	.....	۳۵-۳: الحقّ المبین
۱۰۹	.....	۱-۳۵-۳: ارتباط میان حق و مبین
۱۱۰	.....	۳۶-۳: الرّحمن المستعان
۱۱۱	.....	۱-۳۶-۳: ارتباط میان رحمان و مستعان
۱۱۱	.....	۳۷-۳: الغفور الودود
۱۱۱	.....	۱-۳۷-۳: ارتباط میان غفور و ودود
۱۱۲	.....	۳۸-۳: العزیز الوهاب
۱۱۲	.....	۱-۳۸-۳: ارتباط میان عزیز و وهاب
۱۱۳	.....	۳۹-۳: الغنی ذوالرّحمه
۱۱۳	.....	۱-۳۹-۳: ارتباط میان غنی و ذوالرّحمه
۱۱۴	.....	۴۰-۳: الغفور ذوالرّحمه
۱۱۴	.....	۱-۴۰-۳: ارتباط میان غفور و ذوالرّحمه
۱۱۶	.....	۴۱-۳: الکبیر المتعال
۱۱۶	.....	۱-۴۱-۳: ارتباط میان کبیر و متعال
۱۱۷	.....	۴۲-۳: الفّتاح العلیم
۱۱۷	.....	۱-۴۲-۳: ارتباط میان فّتاح و علیم

۱۱۸	..... ۴۳-۳: توّاب حکیم
۱۱۸	..... ۴۳-۳-۱: ارتباط میان توّاب و حکیم
۱۱۸	..... ۴۴-۳: الولیّ الحمید
۱۱۹	..... ۴۴-۳-۱: ارتباط میان ولی و حمید
۱۲۰	..... ۴۵-۳: حمید مجید
۱۲۰	..... ۴۵-۳-۱: وجه تقدّم حمید بر مجید و ارتباط میان این دو
۱۲۱	..... ۴۶-۳: ربّ غفور
۱۲۱	..... ۴۶-۳-۱: ارتباط میان رب و غفور
۱۲۱	..... ۴۷-۳: حکیم حمید
۱۲۱	..... ۴۷-۳-۱: ارتباط میان حکیم و حمید
۱۲۲	..... ۴۸-۳: ربّ رحیم
۱۲۲	..... ۴۸-۳-۱: ارتباط میان رب و رحیم
۱۲۳	..... ۴۹-۳: سمیع قریب
۱۲۳	..... ۴۹-۳-۱: ارتباط میان سمیع و قریب
۱۲۴	..... ۵۰-۳: رحیم ودود
۱۲۴	..... ۵۰-۳-۱: ارتباط میان رحیم و ودود
۱۲۴	..... ۵۱-۳: عزیز مقتدر
۱۲۵	..... ۵۱-۳-۱: ارتباط میان عزیز و مقتدر
۱۲۵	..... ۵۲-۳: شکور حلیم
۱۲۵	..... ۵۲-۳-۱: ارتباط میان شکور و حلیم
۱۲۶	..... ۵۳-۳: عفوّا قدیرا
۱۲۶	..... ۵۳-۳-۱: ارتباط میان عفو و قدیر
۱۲۸	..... ۵۴-۳: غنیّ حلیم
۱۲۸	..... ۵۴-۳-۱: ارتباط میان غنی و حلیم
۱۲۹	..... ۵۵-۳: علیّ حکیم
۱۲۹	..... ۵۵-۳-۱: ارتباط میان علی و حکیم
۱۲۹	..... ۵۶-۳: قریب مجیب
۱۲۹	..... ۵۶-۳-۱: ارتباط میان قریب و مجیب
۱۳۱	..... ۵۷-۳: غنیّ کریم
۱۳۱	..... ۵۷-۳-۱: ارتباط میان غنی و کریم
۱۳۲	..... ۵۸-۳: ملیک مقتدر

- ۱۳۲ ..... ۳-۵۸-۱: ارتباط میان ملیک و مقتدر
- ۱۳۳ ..... ۳-۵۹: واسعا حکيما
- ۱۳۳ ..... ۳-۵۹-۱: ارتباط میان واسع و حکيم

## فصل چهارم: ارتباط میان زوج صفات و آیات

- ۱۳۶ ..... ۴-۱: الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
- ۱۳۷ ..... ۴-۲: غفور رحيم
- ۱۴۰ ..... ۴-۳: العزيز الحكيم
- ۱۴۲ ..... ۴-۴: سمیع علیم
- ۱۴۳ ..... ۴-۵: علیم حکيم
- ۱۴۵ ..... ۴-۶: العزيز الرَّحِيمُ
- ۱۴۶ ..... ۴-۷: السَّمِيعُ الْبَصِيرُ
- ۱۴۷ ..... ۴-۸: الغنى الحميد
- ۱۴۸ ..... ۴-۹: تَوَّابٌ رَحِيمٌ
- ۱۴۹ ..... ۴-۱۰: رَوْفٌ رَحِيمٌ
- ۱۵۰ ..... ۴-۱۱: حکيم علیم
- ۱۵۱ ..... ۴-۱۲: واسع علیم
- ۱۵۱ ..... ۴-۱۳: الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ
- ۱۵۲ ..... ۴-۱۴: العزيز العليم
- ۱۵۲ ..... ۴-۱۵: الواحد القهَّار
- ۱۵۳ ..... ۴-۱۶: اللطيف الخبير
- ۱۵۵ ..... ۴-۱۷: العلىّ الكبير
- ۱۵۶ ..... ۴-۱۸: خبيرا بصيرا
- ۱۵۷ ..... ۴-۱۹: عفواً غفورا
- ۱۵۸ ..... ۴-۲۰: الحكيم الخبير
- ۱۵۹ ..... ۴-۲۱: علیم قدير
- ۱۶۰ ..... ۴-۲۲: غفور حلیم
- ۱۶۱ ..... ۴-۲۳: علیم خبير
- ۱۶۲ ..... ۴-۲۴: عزيز ذوانتقام
- ۱۶۳ ..... ۴-۲۵: العزيز الحميد

١٦٤	..... ٢٦-٤: الحى القيوم
١٦٥	..... ٢٧-٤: عليم حليم
١٦٦	..... ٢٨-٤: العزيز الغفار
١٦٦	..... ٢٩-٤: غفور شكور
١٦٧	..... ٣٠-٤: العلى العظيم
١٦٨	..... ٣١-٤: الخلاق العليم
١٦٩	..... ٣٢-٤: حليما غفورا
١٧٠	..... ٣٣-٤: الملك الحق
١٧١	..... ٣٤-٤: العزيز الغفور
١٧١	..... ٣٥-٤: شاكرا عليم
١٧٢	..... ٣٦-٤: قوى شديد العقاب
١٧٣	..... ٣٧-٤: الرحيم الغفور
١٧٣	..... ٣٨-٤: البر الرحيم
١٧٤	..... ٣٩-٤: الحق المبين
١٧٥	..... ٤٠-٤: الرحمن المستعان
١٧٦	..... ٤١-٤: الغفور الودود
١٧٧	..... ٤٢-٤: العزيز الوهاب
١٧٨	..... ٤٣-٤: الغنى ذوالرحمه
١٧٨	..... ٤٤-٤: الغفور ذوالرحمه
١٧٩	..... ٤٥-٤: الكبير المتعال
١٨٠	..... ٤٦-٤: الفتاح العليم
١٨٠	..... ٤٧-٤: تواب حكيم
١٨١	..... ٤٨-٤: الولى الحميد
١٨٢	..... ٤٩-٤: حميد مجيد
١٨٣	..... ٥٠-٤: رب غفور
١٨٣	..... ٥١-٤: حكيم حميد
١٨٤	..... ٥٢-٤: رب رحيم
١٨٥	..... ٥٣-٤: سميع قريب
١٨٦	..... ٥٤-٤: رحيم ودود
١٨٧	..... ٥٥-٤: عزيز مقتدر
١٨٧	..... ٥٦-٤: شكور حليم

۱۸۸	..... ۵۷-۴: عفوًا قدیرا
۱۸۹	..... ۵۸-۴: غنیّ حلیم
۱۹۰	..... ۵۹-۴: علیّ حکیم
۱۹۰	..... ۶۰-۴: قریب مجیب
۱۹۱	..... ۶۱-۴: غنیّ کریم
۱۹۲	..... ۶۲-۴: ملیک مقتدر
۱۹۳	..... ۶۳-۴: واسعا حکیما

### فصل پنجم: آیات نادر

۱۹۵	..... ۱-۵: الرزاق ذو القوّة المتین
۱۹۵	..... ۱-۱-۵: معنای لغوی رزاق و ذوالقوّة و متین
۱۹۶	..... ۲-۱-۵: مفهوم کلی و ارتباط صفات با آیه شریفه
۱۹۶	..... ۲-۵: الأوّل و الآخر و الظاهر و الباطن
۱۹۶	..... ۱-۱-۲-۵: معنای لغوی اوّل و آخر
۱۹۷	..... ۲-۱-۲-۵: مفهوم کلی و ارتباط دو صفت اوّل و آخر با آیه شریفه
۱۹۸	..... ۱-۲-۲-۵: معنای لغوی ظاهر و باطن
۱۹۹	..... ۲-۲-۲-۵: مفهوم کلی و ارتباط دو صفت ظاهر و باطن با آیه شریفه
۲۰۰	..... ۳-۵: الخالق البارئ المصور
۲۰۱	..... ۱-۳-۵: معنای لغوی خالق و بارئ و مصوّر
۲۰۱	..... ۲-۳-۵: مفهوم کلی و ارتباط صفات با آیه شریفه
۲۰۲	..... ۴-۵: الملك القدّوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر
۲۰۲	..... ۱-۴-۵: معنای لغوی صفات
۲۰۳	..... ۲-۴-۵: مفهوم کلی و ارتباط صفات با آیه شریفه
۲۰۶	..... ۵-۵: جمع بندی و نتیجه گیری نهایی

### فصل ششم: منابع

۲۱۱	..... ۶: منابع
-----	----------------





# فصل اوّل

## مقدمه

(۱-۱) پیش گفتار:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ تَسْبِقْ لَهُ حَالٌ حَالًا فَيَكُونُ أَوْلَا قَبْلَ أَنْ يَكُونَ آخِرًا وَ يَكُونُ ظَاهِرًا قَبْلَ أَنْ يَكُونَ بَاطِنًا كُلُّ مُسَمًّى بِالْوَحْدَةِ غَيْرُهُ قَلِيلٌ وَ كُلُّ عَزِيزٍ غَيْرُهُ ذَلِيلٌ وَ كُلُّ قَوِيٍّ غَيْرُهُ ضَعِيفٌ وَ كُلُّ مَالِكٍ غَيْرُهُ مَمْلُوكٌ وَ كُلُّ عَالِمٍ غَيْرُهُ مُتَعَلِّمٌ وَ كُلُّ قَادِرٍ غَيْرُهُ يَقْدِرُ وَ يَعْجَزُ وَ كُلُّ سَمِيعٍ غَيْرُهُ يَصْمُ عَنْ لَطِيفِ الْأَصْوَاتِ وَ يُصِمُّ كَبِيرُهَا وَ يَذْهَبُ عَنْهُ مَا بَعْدَ مِنْهَا وَ كُلُّ بَصِيرٍ غَيْرُهُ يَعْمَى عَنْ خَفِيِّ الْأَلْوَانِ وَ لَطِيفِ الْأَجْسَامِ وَ كُلُّ ظَاهِرٍ غَيْرُهُ بَاطِنٌ وَ كُلُّ بَاطِنٍ غَيْرُهُ ظَاهِرٌ» (سید رضی، خطبه ی ۶۵)

«سپاس خدای را، که- صفت‌های او همیشگی است-، و حالی از او را بر حالی پیشی نیست، تا در آغاز باشد پیش از بودن در پایان، و آشکارا باشد پیش از بودن در نهان. هر چه را واحد نامند اندک و تنهاست، جز او که یگانه است و بر همه فرمانرواست. هر عزیزی جز او خوار است و هر نیرومندی جز او ناتوان و بی‌مقدار. هر مالکی جز او بنده است و هر عالمی دانش آموزنده، هر توانایی گاه بود که ناتوان است جز او- که توانا در هر حال و زمان است- . جز او هر شنوایی، آوای نرم و آهسته را نتواند شنود، و فریاد درشت، او را کر خواهد نمود، و بر بانگی که دور است، و قوفش نتواند بود. هر بینا جز او دیدن رنگ‌های پوشیده و ظریف نتواند. و در نگرستن به جسم‌های لطیف عاجز ماند. و هر آشکاری جز او در نهان نیست، و جز او هر چه در باطن است عیان نیست.»

صفات خدای متعال شباهتی به صفات رایج در میان مخلوقات نداشته و برتر از جسم و عوارض ناشی از جسمانیت است و بدون هیچ شکی باید گفت که حقیقت کمال، تنها در ذات پاک خداست و در غیر او همه چیز دچار نقصان است و این حقیقت در واقع اساس و زیربنای اصلی در موضوع شناخت خدا و معرفت نسبت به اوست.

از سویی دیگر اندیشه‌ها و عقول- به دلیل نامحدود بودن ذات پروردگار- از درک کنه صفاتش عاجزند:

«لَا تَقْعُ الْأَوْهَامُ لَهُ عَلَى صِفَةٍ» (سید رضی، خطبه ی ۸۵)

و این ناشی از محدودیت عقل و بالطبع نارسایی‌های حاکم بر مدرکات آنست و اینجاست که باید خاضعانه لب به اعتراف گشود که:

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگجی      نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی  
(سنایی)

با این توضیحات، سؤالی در ذهن پدید می آید و آن اینکه شناخت خدا و معرفت به صفات او چگونه ممکن است؟ آیا باید به مانند گروهی قائل به «تعطیل» معرفت الله شده و اینگونه عنوان نمود که «ما از ذات پروردگار و صفات او هیچ چیز مثبتی نمی دانیم» و تنها به نفی یک سلسله امور منفی از ذات حق بسنده نمود؟ و یا در نقطه ی مقابل گروه پیشین، بایستی خدا را در حد جسمیت تنزل داده و قائل به «تشبیه» در مورد حضرتش شد؟

جهت پاسخ به این سؤالات ابتدا به جریانی اشاره می کنیم که در آن فردی نزد امیرالمؤمنین (ع) آمده و از آن حضرت درخواست نمود که خدا را آنگونه برایش توصیف کند که گویی او را با چشم می بیند تا اینگونه بر معرفتش افزوده گردد! امام (ع) که از این سخن سخت برآشفته بود، همه را فراخوانده و بعد از آنکه مسجد کوفه مالمال از جمعیت شد، بر فراز منبر قرار گرفت و در حالیکه غضبناک بود<sup>۱</sup>، زیبا خطبه ای ملقب به «اشباح» را ایراد فرمود. این خطبه که از متقن ترین خطب نهج البلاغه- هم به لحاظ سند و هم از جهت محتوا- می باشد، به زیباترین و عالی ترین وجه ممکن اصول و زوایای معرفت به خداوند و صفات او را بیان می کند. در قسمتی از این خطبه حضرت می فرماید:

«فَانظُرْ أَيُّهَا السَّائِلُ فَمَا ذَلِكَ الْقُرْآنُ عَلَيْهِ مِنْ صِفَتِهِ فَأَنْتُمْ بِهِ وَاسْتَضِيءَ بِنُورِ هِدَايَتِهِ وَ مَا كَلَّفَكَ الشَّيْطَانُ عِلْمَهُ مِمَّا لَيْسَ فِي الْكِتَابِ عَلَيْكَ فَرَضُهُ وَ لَا فِي سُنَّةِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) وَ أُمَّةِ الْهُدَى أَثَرُهُ فَكُلِّ عِلْمُهُ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ مُنْتَهَى حَقِّ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ الرَّاسِخِينَ فِي الْعِلْمِ هُمُ الَّذِينَ أَعْنَاهُمْ عَنِ افْتِحَامِ السُّدِّدِ الْمَضْرُوبَةِ دُونَ الْعُيُوبِ الْإِقْرَارُ بِجُمْلَةٍ مَا جَهَلُوا تَفْسِيرَهُ مِنَ الْغَيْبِ الْمَحْجُوبِ فَمَدَّحَ اللَّهُ تَعَالَى اعْتِرَافَهُمْ بِالْعَجْزِ عَنِ تَنَاوُلِ مَا لَمْ يُحِيطُوا بِهِ عِلْمًا وَ سَمَّى تَرْكَهُمُ التَّعَمُّقَ فِيمَا لَمْ يُكَلِّفْهُمْ الْبَحْثَ عَنْ كُنْهِهِ رُسُوحًا فَأَقْتَصِرْ عَلَى ذَلِكَ وَ لَا تُقَدِّرْ عَظَمَةَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَى قَدْرِ عَقْلِكَ فَتَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ» (سید رضی، خطبه ی ۹۱)

«پس ای پرسنده بیندیش و آنچه قرآن از وصف پروردگار به تو می نماید بپذیر، و نور هدایت قرآن را چراغ راه خود گیر، و از آنچه شیطان تو را به دانستن آن وامی دارد، و کتاب خدا آن را بر تو واجب نمی شمارد، و در سنت رسول و ائمه هدی نشانی ندارد، دست بردار، و علم او را به خدا واگذار- که دستور دین چنین است-، و نهایت حق خدا بر تو این، و بدان کسانی در علم دین استوارند که اعتراف به نادانی، بی نیازشان کرده است تا نا اندیشیده پا در میان گذارند، و فهم آنچه را در پس پرده های غیب نهان است آسان انگارند، لاجرم به نادانی خود در فهم آن معنیهای پوشیده اقرار آرند، و خدا این اعتراف آنان را به ناتوانی در رسیدن بدانچه نمی دانند

<sup>۱</sup> دلیل آنکه حضرت از این سخن برآشفته این بود که سؤال کننده انتظار داشت که خداوند صفاتی همچون صفات مخلوقین داشته باشد. چون در سؤال خود تعبیر به رؤیت کرد و در واقع عقیده ای مانند آنچه مجسمه یا اهل تشبیه می گویند، ابراز داشت.